

۱. مفهوم مدیریت اسلامی را با تکیه بر تفاوت‌های آن با مدیریت غربی توضیح دهید.
۲. اصول و مبانی معرفت‌شناسی مدیریت اسلامی را توضیح دهید.
۳. (الف) مفهوم عبودیت در مدیریت اسلامی چیست؟
(ب) چگونه این مفهوم بر رفتار مدیران مسلمان تأثیر می‌گذارد؟
۴. یکی از مدل‌های مطرح در مدیریت اسلامی، مدل مدیریت علوی است. ارکان این مدل را توضیح دهید.
۵. در مدیریت اسلامی، عدالت یکی از مفاهیم کلیدی است. این اصل را با ذکر یک مثال از مدیریت اسلامی تبیین نمایید.
۶. اصل شورا را در مدیریت اسلامی با مدیریت مشارکتی در مدیریت نوین مقایسه کنید.
۷. (الف) مفهوم تزکیه نفس در مدیریت اسلامی چیست؟
(ب) این مفهوم چگونه در انتخاب مدیران شایسته نقش دارد؟
۸. ویژگی‌های مدیر مطلوب در مدیریت اسلامی را بر اساس سیره پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) شرح دهید.
۹. نقش توحید در بینش مدیریتی اسلامی چیست؟ چگونه این اصل در تصمیم‌گیری‌های سازمانی نمود پیدا می‌کند؟
۱۰. در مدیریت اسلامی، اهداف سازمان‌ها چه تفاوتی با مدیریت سکولار دارند؟ یک مدل مفهومی از اهداف سازمان در اسلام ترسیم و تحلیل کنید.

۱. مدیریت اسلامی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است و انسان را خلیفه خدا در زمین می‌داند. برخلاف مدیریت غربی که اغلب مبتنی بر اومانیسم، ماتریالیسم و سودگرایی است، در مدیریت اسلامی هدف نهایی کسب رضای الهی و خدمت به بندگان خداست. اصول اخلاقی، عدالت، امانت‌داری، و رعایت حقوق دیگران از ارکان اصلی آن به شمار می‌روند.

۲. معرفت‌شناسی مدیریت اسلامی بر پایه قرآن، سنت، عقل و اجماع شکل می‌گیرد. معرفت در مدیریت اسلامی نه تنها حسی و تجربی، بلکه وحیانی نیز هست. مدیر اسلامی باید همزمان از منابع نقلی و عقلی برای تصمیم‌گیری استفاده کند. برخلاف مدیریت غربی که تنها به تجربه یا آزمون و خطا تکیه دارد، در مدیریت اسلامی راهنمایی‌های وحی نیز نقش کلیدی دارند.

۳. (الف) عبودیت یعنی پذیرش بندگی خداوند و اطاعت محض از او در تمام شئون زندگی، از جمله در مدیریت.

(ب) (مدیری که به عبودیت باور دارد، از خودمحوری و خودکامگی دوری می‌کند و در تصمیم‌گیری‌ها رضایت الهی را بر منافع شخصی مقدم می‌دارد. چنین مدیری خود را در برابر خدا و مردم مسئول می‌داند و وظایف خود را امانت تلقی می‌کند.

۴. مدیریت علوی با الگوگیری از سیره امام علی (ع) دارای ارکانی چون:

- عدالت‌محوری
- نظارت بر کارگزاران
- حفظ بیت‌المال
- مردم‌داری و خدمت‌محوری
- پرهیز از اشرافی‌گری

این مدل، الگویی جامع برای مدیریت اسلامی به شمار می‌رود و تأکید دارد که مدیر باید اهل تقوا، شجاعت، و انصاف باشد.

۵. عدالت در مدیریت اسلامی به معنای رعایت حق و انصاف در تمام سطوح سازمانی است. برای مثال، امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر تأکید می‌کند که میان افراد جامعه، حتی در تقسیم بیت‌المال، نباید تفاوتی جز بر اساس شایستگی وجود داشته باشد. عدالت شامل عدالت سازمانی، رفتاری و توزیعی است.

۶. اصل شورا در قرآن به عنوان یکی از ویژگی‌های جامعه ایمانی آمده است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ.»

در مدیریت اسلامی، شورا ابزار عقل‌گرایی جمعی و پرهیز از استبداد است. در مدیریت نوین نیز مشارکت کارکنان یکی از ارکان افزایش بهره‌وری است. تفاوت آن جاست که شورا در اسلام نه یک استراتژی صرفاً کاربردی، بلکه یک اصل دینی است.

۷. (الف) تزکیه نفس به معنای پالایش درونی از رذائل اخلاقی و رشد فضائل است. (ب) (مدیری که دارای تزکیه است، به قدرت به عنوان امانت می‌نگرد و اهل ظلم، خودخواهی و دنیاطلبی نیست. انتخاب چنین مدیرانی منجر به عدالت و بهره‌وری پایدار در سازمان می‌شود.

۸. بر اساس سیره پیامبر (ص) و امام علی (ع)، مدیر اسلامی باید دارای صفاتی چون:

- امانت‌داری
- صداقت

- تواضع
- مسئولیت‌پذیری
- رعایت حقوق کارکنان

باشد. امام علی (ع) در نامه‌های خود به کارگزاران بارها بر تواضع، انصاف و مسئولیت‌پذیری مدیران تأکید کرده‌اند.

۹. توحید به عنوان زیربنای فکری و فلسفی مدیریت اسلامی، نگاه مدیر را از مادی‌گرایی صرف دور می‌سازد. در تصمیم‌گیری‌های سازمانی، توحید سبب می‌شود که اهداف الهی، ارزش‌های اخلاقی و رضایت مردم هم‌وزن منافع اقتصادی تلقی شوند. در این بینش، هیچ تصمیمی جدا از قضاوت الهی نیست.

۱۰. اهداف در مدیریت اسلامی الهی‌محور هستند، یعنی فراتر از سود مادی به سود اخروی نیز می‌اندیشند. بر اساس مدل مفهومی زیر می‌توان اهداف را ترسیم کرد:

[خدمت به خلق] → [عدالت سازمانی] → [رضایت الهی] → [توسعه متوازن مادی و معنوی]

در مقابل، مدیریت سکولار بیشتر بر سوددهی مالی، رشد بازار و بازده اقتصادی متمرکز است. در اسلام، حتی سود اقتصادی نیز باید در راستای تحقق عدالت و رفاه عمومی قرار گیرد.